

بینش سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها در دفاع از ولایت

محبوبه فروغی فر^۱

مهدیه خلفی

معصومه شریفی

چکیده

در این مقاله تلاش کردیم کوشش های صدیقه الطاهره در زمان قبل از شهادت و بعد از شهادت پدر بزرگوارشان در دفاع از ولایت را بیان کنیم. این فعالیت های سیاسی بعد از پیامبر بسیار پررنگ تر بوده است. سعی بر آن شده تا مجاهدت و دقت های حضرت زهرا سلام الله علیها در دفاع از ولایت، اشاره کوتاه به شرح خطبه های ایراد شده توسط حضرت ، حضور حضرت در مباحثه، غدیر و حوادث تاریخی که مربوط به ولایت را بیان کنیم.

کلیدواژه

حضرت زهرا سلام الله علیها، سیاست، ولایت، دفاع، حضرت علی علیه السلام

مدرسۀ علمیه ام ابیها سلام الله علیها شهرستان تفت، سطح ۲ استاد راهنما: فاطمه جعفری ندوشن^۱

مقدمه

بینش

بینش به معنای آینده نگری و دید ما به آینده است. بینش با بصیرت متفاوت است. بصیرت به معنی درک ریشه‌ی امور می باشد. بینش فهمی از خود و روابط با دیگران است که تجربه‌های پیشین را روشن می سازد و فرد را در حل مسئله یاری می کند.^۲

بینش به زبان ساده، آگاهی درک صمیمی از خود و پیرامون خود داشتن و بصیرت یک نوع آگاهی درونی. بینش از مصدر دیدن، بینایی و بینندگی است.

از آنجا که سیاست دامنه‌ی گسترده‌ای دارد و خیلی فراگیر است؛ موضوعات گوناگونی به آن پیوند خورده و مرتبط می شود. صاحب نظران تعریف‌های محدود یا گسترده‌ای آورده اند و همین دلیل تعریف سیاست را پیچیده کرده است، که ما به چند مورد آن اشاره‌ی کوتاه می کنیم.^۳

سیاست

سیاست از کلمه ساس گرفته شده است که به معنی اصلاح امور خلق و اداره کردن کارهای مملکت، مراقبت از امور داخلی و خارجی کشور، رعیت داری و مردم داری، عقوبت و مجازات کردن.^۴

راه و روش امور چه در امر دولت و غیردولت.^۵

برخی از نظریه پردازان غربی، سیاست را به معنای علم دولت دانسته اند.^۶

سیاست در کتب فقهی به معنی تدبیر، اصلاح و تربیت است؛ از این رو در معانی امر و نهی کردن مردم، ریاست کردن، حکم راندن، مصلحت اندیشیدن، کیفر دادن، تربیت و ادب کردن، به اصلاح چیزی همت گماردن، نگهداری به کار رفته است.^۷

نزد دانشمندان اسلامی سیاست عبارت است از روش اداره‌ی جامعه به گونه‌ای که مصالح مادی و معنوی آحاد آن تحقق یابد.

منظور از بینش سیاسی حضرت زهرا سلام الله علیها، آگاهی از روابط و ضرورت‌های میان اجزای نظام اسلامی_سیاسی

از جمله توحید، نبوت، امامت و نظام امت می باشد که این بینش برپایه‌ی باورهای اعتقادی و ارزش‌های توحیدی استوار است.

گروه واژه گزینی: فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، تهران انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. 2

مبانی سیاست، ج ۱، ص ۶۰۷. 3

بهشتی، محمد، فرهنگ صبا، ص ۶۳۰. 4

صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۳۲. 5

وینست، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه: بشری، حسین، ص ۲۰. 6

العین، واژه سوس، ج ۷، ص ۳۳۶. لسان العرب، واژه سوس، ج ۲، ص ۱۰۸. لغت نامه دهخدا. مرآة العقول، ج ۳، ص ۱۰۵. 7

اهمیت این مقاله به نظر محقق از این جهت است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید :

وَفِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^۸

دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فاطمه زهرا سلام الله علیها برای من، اسوه و الگویی نیکو است.

نکته مورد نظر ما این است موعودی که قرار است دنیا را پر از عدل و داد کند و حکومتی جهانی و یک پارچه (لیظهره علی الدین کله) برپا کند؛ اسوه خود را صدیقه الطاهره سلام الله علیه قرار می دهد.

هم منابع تاریخی و هم منابع دینی مشارکت فعال فاطمه سلام الله علیها در منزل و در اجتماع را ثبت کرده‌اند، و او را اهل زهد و کنار نهادن امور دنیا ندانسته‌اند. دانش حقوقی فاطمه سلام الله علیها و دادخواهی ایشان نشانه حضور در امور اجتماعی است. در نبرد احد وی خون را از زخم‌ها و شمشیر پدرش پاک می‌کند و به روایت محمد بن عمرو اقدی زنان مداوا کننده مجروحان را رهبری، و برای کشتگان مسلمان سوگواری می‌کند.

به نظر می‌رسد که فاطمه سلام الله علیها در چند کار سیاسی مهم اثر داشته اند که باروایت گوناگون مشترک بین همه منابع شیعه و سنی، ثبت شده است. از جمله:

نپذیرفتن محافظت از ابوسفیان پس از فتح مکه.

دفاع دلیرانه از حضرت علی علیه سلام پس از درگذشت محمد صلی الله علیه وآله وسلم .

مخالفت با انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه و برخورد شدید با عمر.

ادعای مالکیت بر میراث پدر و دفاع در مقابل ابوبکر به ویژه درباره فدک و سهم خیبر که ابوبکر کلاً نپذیرفت.^۹

هرچند فعالیت این بانو بیش از این ها بوده اما ما در حد توان ذکر می کنیم.

فعالیت های سیاسی حضرت قبل از شهادت پیامبر

حضور پشت صحنه غزه ها

در طول ۱۰ سال حکومت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در مدینه ۲۷ یا ۲۸ غزه و تا ۳۵ تا ۹۰ سریه ذکر شده است.

غزه که جمع آن غزوات است به جنگ هایی گفته می شود که شخص پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، فرماندهی مستقیم آن را به عهده داشت و پا به پای سربازان اسلام در معرکه جنگ حاضر و ناظر نبردها و مانورهای نظامی بود.

سریه که جمع آن سرایا است به جنگ هایی گفته می شود که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بی آن که خود در آن شرکت کند، گروهی را به فرماندهی شخصی به جبهه ها و مرزهای کشور اسلامی ، برای نبرد یا دفاع احتمالی ، اعزام می کرد.

الغیبة طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۹.^۸

قزوینی، محمدکاظم فاطمه من المهد الی الحد.^۹

گاهی برخی از این مأموریت های رزمی به خاطر فاصله زیاد جبهه ها از مدینه، حدود دو یا سه ماه به طول می انجامید.

یکی از میدانهای حضور حضرت زهرا سلام الله علیها، غزوه احد است. جایی که در آن بیش از هفتاد نفر از مسلمانان راستین از جمله حضرت حمزه سید الشهداء علیه السلام به شهادت رسیدند. همچنین در این نبرد پیشانی مقدس رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شکافته شد و دندان مبارک ایشان شکست. پیکر امیرالمؤمنین علی علیه السلام که تنها مدافع رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این نبرد بود، نیز سراسر پر زخم و خون بود. زمانی که آتش جنگ فروکش کرد حضرت زهرا سلام الله علیها به همراه سایر زنان بنی هاشم و مسلمان به کمک مجروحان آمدند. در روایات تاریخی آمده است که هنگامی که حضرت زهرا (س) چهره پر از خون پدر را مشاهده کردند، خون ها را از رخسار پدر، پاک نمودند در حالی که امیر مومنان (ع) با سپر خویش آب می ریختند و فاطمه سلام الله علیها را یاری می کردند. آن حضرت چون دید جریان آب و شستشو، خونریزی را بیشتر می کند به همین جهت در پی چاره اندیشی خویش تکه حصیری آورد و آن را با شرایط خاصی سوزانید و خاکسترش را بر روی زخمها نهاد تا خون باز ایستد و چنین شد که خون بند آمد.^{۱۰} همچنین در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه علیها السلام در غزوه احزاب برای امیرالمؤمنین (ع) و رسول خدا (ص) نان و غذا می برده اند.^{۱۱}

و در فتح مکه نیز حضور داشته و به پدر و همسرشان کمک می کردند. در جریان بیعت زنان مشرک با پیامبر نیز حاضر بودند.^{۱۲}

به تحقیق می توان گفت علی علیه السلام در طول زندگی مشترکش با حضرت زهرا سلام الله علیها بیشتر اوقاتش را در میدانهای جهاد یا مأموریت های تبلیغی گذراند و در غیاب او همسر وفادارش فاطمه سلام الله علیها وظیفه اداره خانه و تربیت فرزندان را به عهده داشت و این کار را به نحوی شایسته انجام می داد تا همسر رزمنده اش با خاطری آسوده، وظیفه مقدس جهاد را به انجام برساند.

در این مدت، فاطمه سلام الله علیها به یاری خانواده های رزمندگان و شهیدان می شتافت و با آنها اظهار همدردی می کرد و گاهی هم، ضمن تشویق زنان امدادگر و آشنا ساختن آنان به وظایف خطیرشان، به مداوای جراحات محارم خویش می پرداخت.

در جنگ اُحد، فاطمه سلام الله علیها همراه زنان به اُحد (در شش کیلومتری مدینه) رفت. در این نبرد، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به شدت زخمی شد و علی علیه السلام نیز جراحاتی برداشت. فاطمه سلام الله علیها خون را از چهره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می شست و حضرت علی علیه السلام با سپر خود آب می ریخت.

هنگامی که فاطمه سلام الله علیها مشاهده کرد که خون بند نمی آید، قطعه حصیری را سوزانید و خاکستر آن را

۱۰. قزوینی، سیدمحمدکاظم، فاطمه من المهد الی الحد، ص ۱۶۸.

۱۱. ذخایرالعقبی، ص ۴۷.

۱۲. بیعت مشترک و فتح مکه، واقعی، المغازی، ج ۲، ص ۸۳.

بر زخم پاشید تا خون بند آمد.

آن روز پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و علی علیه سلام ، شمشیرهای خود را به فاطمه سلام الله علیها دادند تا آنها را بشوید.

در نبرد احد، حمزه سیدالشهدا، عموی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به شهادت رسید.^{۱۳}

پس از نبرد، «صفیه» خواهر حمزه به اتفاق فاطمه سلام علیها کنار پیکر مثله شده قرار گرفت و شروع به گریستن کرد، فاطمه سلام الله علیها نیز می گریست و پیامبر هم با او گریه می کرد و خطاب به حمزه می فرمود: هیچ مصیبتی مثل مصیبت تو به من نرسیده است.

آن گاه خطاب به صفیه و فاطمه فرمود: مژده باد که هم اکنون جبرئیل به من خبر داد که در آسمانهای هفتگانه، حمزه شیر خدا و شیر رسول خداست.

پس از نبرد احد، فاطمه زهرا سلام الله علیها تا زنده بود، هر دو سه روز یک بار به زیارت شهدای احد می رفت.

در نبرد خندق، فاطمه زهرا سلام الله علیها نانی را برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم برد، پیامبر پرسید:

این چیست؟ فاطمه سلام الله علیها پاسخ داد: نان پختم، دلم آرام نگرفت تا این که برایتان آوردم.

پیامبر فرمود: این اولین غذایی است که پس از سه روز در دهان می گذارم.

در نبرد موته، جعفر بن ابیطالب به شهادت رسید و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به خانه وی رفت و همسر و

فرزندانش را دلداری داد و از آنجا به خانه فاطمه سلام الله علیها رفت.

فاطمه سلام الله علیها می گریست.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: بر مثل جعفر باید گریه کنندگان بگریند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: برای خانواده جعفر غذایی تهیه کنید، زیرا امروز آنها خود را

فراموش کرده اند.

فاطمه زهرا سلام الله علیها در فتح مکه نیز حضور داشت.^{۱۴}

«امّ هانی»، خواهر علی علیه السلام گوید: در روز فتح مکه دو نفر از خویشان مشرک شوهرم را پناه دادم و هنوز

آنها در خانه ام بودند که ناگهان برادرم علی (علیه السلام)، در حالی که سواره و زرهپوش بود، پیدا شد و به طرف

آن دو تن شمشیر کشید.

میان او و ایشان ایستادم و گفتم: اگر بخواهی آن دو را بکشی، باید مرا هم پیش از آنها بکشی! علی علیه السلام

بیرون رفت، در حالی که چیزی نمانده بود آنها را بکشد. من خود را به خیمه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

در بطحا رساندم و آن حضرت را پیدا نکردم، ولی فاطمه سلام الله علیها را دیدم و ماجرا را برایش گفتم. دیدم

فاطمه سلام الله علیها از همسر خود قاطعتر است.^{۱۵}

۱۳. شیخ مفید، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۸۰.

۱۴. قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه من المهدالی الحد، ص ۵۷۳.

۱۵. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، ص ۳۶۲.

"مذقه الشارب و نهزه الطامع" مانند جرعه ای آب (که به سادگی شما را می توانستند بنوشند) و آنقدر ضعیف که هر کس طمع به چیزی داشت به سراغتان می آمد.

"و قبه العجلان" و آتش زنه ای بودید که بلافاصله خاموش می شد و نمی توانست جایی را روشن و گرم کند.

"و موطیء الاقدام" و مثل محل لگد کوب شدن روندگان، زیر پا له شده بودید.

"تشربون الطرق و تفتاتون القد و الورق" از آبی که شتران در آن رفته و آن را آلوده می کردند می آشامیدید، و پوست حیوانات و برگ درختان غذا می گرفتید.

"اذله خاسئین" خوار بودید و مطرود.

"تخافون ان يستخطفكم الناس من حولكم" می ترسیدید که اطرافیان شما را بربایند.

"فانقذكم الله تعالى بمحمد" تا آن که خدای محمد صلی الله علیه و اله از طریق اسلام شما را نجات داد.

در این فراز حضرت نقش اسلام را در این عزتمندی گوشزد می کنند که کما و علوی که مسلمانان پیدا نمودند در اثر رابطه با پیامبر صلی الله علیه و اله بود. اگر پس از پیامبر صلی الله علیه و اله این رابطه _ که به صورت ربط با امام می تواند باقی بماند _ از بین برود؛ هم جاهلیت گذشته، هم خواری و ضعف دوباره برمی گردد.^{۶۵}

"بعد اللتیا و التی" بعد از چنین و چنان (بعد از حوادث زیادی که بر سر حضرت محمد صلی الله علیه و اله آمد.)

"بعد ان منی بیهم الرجال" و بعد از آنکه حضرت بلاهایی از دست قلدران و گردن کشان کشید.

"و ذؤبان العرب و مرده اهل الکتاب" هم از گرگ های عرب و هم از سرکشان اهل کتاب.

"کلما او قدوا نارا للحرب اطفأها الله" هرگاه که آتش جنگ برافروختند، خدا خاموشش فرمود.

"او نجم قرن للشیطان" یا هر هنگام که شاخ شیطان سر برآورد.

"او فقرت فاغره من المشرکین" یا اژدهای از مشرکین دهان باز کرد.

"قذف اخاه فی لهواتها" رسول خدا صلی الله علیه و اله برادرش _ علی علیه السلام _ را در کام اژدها و گلوگاه آن افکند.

در این فراز از خطبه حضرت بیان می کنند: "این عزتی که از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و اله دارید به راحتی و سادگی به دست نیامده است، آن چه باعث ماندگاری دین اسلام شد، پاک بازی یاران اصلی اسلام بود که در رأس آن ها علی علیه السلام قرار داشت.^{۶۶}

"فلا ینکفی حتی یطأ صماخها بأخمصه" و او (علی علیه السلام) برنمی گشت تا آن که فرق سر آنان را پایمال شجاعت خود می گردانید.

"ویخمد لهبها بسیفه" و آتش آن ها به آب شمشیرش خاموش می کرد.

حیدری، محسن، حزب علوی و حزب اموی. جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت.^{۶۵}

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲.^{۶۶}

"مكدودا فى ذات الله" در هر تلاش و كوشش براى خدا متحمل رنج ها فراوان مى گشت.

"مجتهدا فى امرالله قريبا من رسول الله " على آن مرد پر تلاش و كوشش گر در امر الهى براى نزديكى به پيامبر صلى الله عليه و اله از هيچ كوششى فروگذار نمى كرد.

"سيدا فى اولياء الله" آن على كه در ميان اولياء خدا و تربيت شدگان مكتب وحى، سرور و آقاى همه بود.

"مشمرا، ناصحا، مجدا، كادحا" پيگير، دلسوز ، پرتلاش و خستگى ناپذير

صحابه پيامبر صلى الله عليه و اله زياد بودند اما حضرت على عليه السلام صحابه خاص بودند و پيامبر صلى الله عليه و اله مى دانستند وقتى او را براى انجام مأموريتى مى فرستند از جان و دل مايه مى گذارد. تمام وجود على عليه السلام اين بود كه خدا را داشته باشد و امر خدا را حاكم كند.

"وانتم فى رفاهيه من العيش" و شما در آن هنگامه در خوشى و رفاه زندگى مى كرديد.

"و ادعون فاكهون آمنون" در مهد امن ، متنعم مى بوديد و در اندیشه ي لذت هاى بيشتر ، بدون آن كه معنى ترس را بشناسيد.

"تتربصون بنا الدوائر" و منتظر بوديد كه جريان ها بر زد ما تغيير جهت دهد.

"و تتكفون الأخبار" و گوش به زنگ اخبارى بوديد كه خبر از نابودى ما بدهد.

"تنكصون عند النزال" هنگام كارزار عقب گرد مى كرديد.

"وتفرون من القتال" و به هنگام نبرد فرار مى نموديد.

دراين فراز خطبه حضرت پس از بيان خصوصيات على عليه السلام خطاب به شنوندگان مى گويند: " شما كه آمده ايد حكومت اسلامى را در دست بگيريد، در وقتى كه بايد جانانه از آن دفاع مى كرديد، نشسته بوديد مشغول رفاه و آسايش زندگى تان بوديد.

كسى نگران شكست اسلام است كه بقائ اسلام برايش مسئله است.

"فلما اختارالله لنبيه صلى الله عليه و اله دار انبيائه " حالا كه خدا پيامبرش صلى الله عليه و اله را انتخاب كرد و جايى برد كه بقيه ي انبياش را برد.

"و مأوى اصفياؤه" همان محلى كه محل اصفياش بود، يعنى در قيامت.

"ظهرت فيكم حسكه النفاق" در شما خار و خاشاك نفاق پيدا شد.

دراين فراز حضرت روى اين نکته دست گذاشته اند كه اين ها ضعف هاى در عمق قلب خود داشتند كه آنها را از بين نبرده بودند، و حالا با رحلت پيامبر صلى الله عليه و اله به جهت فرهنگ نفاق توانست رنگ خود را به اين ها بزند و آن ها هم پذيرفتند.

"و سمل جلباب الدين" و لذا لباس دين كهنه شد.

با رحلت پيامبر صلى الله عليه و اله عده اى تصورشان اين بود كه ديگر دوره دين اسلام به پايان رسيده است.

"و نطق کاظم الغاوين" ساکت گمراهان به سخن درآمد.

"و نبغ حامل الأقلین" و پست رتبه گان، با قدر و منزلت شده اند.

"و هدر فنیق المبطلین" و شتر نازپرورده اهل بطلان به صدا درآمد.

در این فراز حضرت اشاره می کند که آرام، آرام می بینید، در فضای فکر و فرهنگی جامعه، آن کسی که به گمراهی و بی دینی مشهور بود و اسلام او را ساکت کرده بود حالا بعد از پدرم سخنران دین شده است. نبغ زبان درآورده اند، خودشان را بروز می دهند و دارای ارزش شده اند.

کسانی سرکار آمده اند که هیچ وقت کاری نمی کردند. مبطل در این جا یعنی کسی که هیچ باری به دوش نگرفته و هیچ زحمتی نکشیده است.

با رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله ماهیت آنان روشن شد و فرومایه شدند.

"فخطر فی عرصاتکم" و آن روحیه در خانه ها و عرصه های زندگی تان درآمد.

"واطلع الشیطان رأسی من مغرزه" و شیطان سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد.

"هاتفا بکم فالفا کم لدعوته مستجیبین" شیطان ندای تان درداد، دید که شما پاسخ گوی دعوت او هستید.

"و للغره فی ملاحظین" و برای آن که فریب او را بخورید، آماده اید.

در این فراز خطبه حضرت اشاره می کند که بدون این که متوجه شوید در موضعی قرار گرفتید که نفاق کنار زندگی تان نشسته، شیطان دعوت تان کرد. او می بیند شما به خوبی می آید و بستر برنامه های او می شوید. در قرآن فقط دو جبهه معرفی شده است. ۶۷ یک پرچم خدا و دستگاه اهل بیت که از آن جدا نیست. و دیگری پرچم کفر و شیطان، بنابراین وقتی اینان در دستگاه اهل بیت نباشند پس در سیطره ی شیطان هستند.

"فوسمتم غیر ابلکم" پس داغ و نشان زدید بر غیر شترتان.

"و اوردتموها غیر شربکم" آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

در این فراز خطبه بیان شده که نتیجه آن نفاق و شیطان گرایی که داغ تان (داغ:علامت مخصوصی بود که هرکسی به شترهای خودش می زد تا معلوم شود شترهای او کدام هست) را بر شتری می زدید که مال خودتان نبود. بر سر خلافتی آمدید که سهم شما نبود.

کینه هایشان به علی علیه السلام از یک طرف، تحرک نفاق از طرف دیگر که باعث شد نفهمند در میدانی آمدند که نباید می آمدند. زیرا خدا جانشین پیامبر صلی الله علیه و اله را از قبل تعیین کرده بود. بنابراین با حذف علی علیه السلام به مقابله و جنگ با خدا برخاستند. کاش متوجه می شدید که چه مصیبت بزرگی بر خودتان و بقیه وارد کردید.

متأسفانه خطبه حضرت زهرا سلام الله عليها با این همه وسعت به دعوی فدک تبدیل شد. فدک یک نمونه هست که حضرت با توجه به آن سخن خود را بیان می کنند. نه این که فقط بحث فدک باشد. یقیناً بینش ایشان را می رساند که اگر در این زمان و بلافاصله بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله اسلام حقی از دخترشان گرفته شود؛ بر سر آیندگان چه خواهد آمد.^{۶۸}

شهادت حضرت فاطمه الزهرا سلام الله عليها در راه ولایت

بنا بر روایت سلمان، پس از حمله مهاجمان به خانه حضرت فاطمه(س) و واقعه سقط جنین، آن حضرت به طور مداوم و پیوسته بستری بود ^{۶۹} تا به شهادت رسید.

این بانو با مقاومت و صبر در مقابل دشمنان در شرایط خفقان آن زمان از جسم خود نیز دریغ نکردند. حتی جنین خود را فدا کردند. (بأی ذنب قتلت). ایشان اولین مبارز در راه ولایت هستند. مبارزه در مقابل ظلم را پایه ریزی کردند.

نتیجه

حضرت زهرا سلام الله عليها شناخت کاملی از جامعه ی آن روز داشتند. ایشان با بصیرت، آینده نگری و بینش خود حتی از حضور در مباحله و غدیر و پایگاه قرار دادن خانه ی خود برای تحصن کنندگان دریغ نکردند و حجت را بر عالمیان تمام کردند. که این پایگاه مورد یورش قرار گرفت زیرا ظالمان نتوانستند تحمل کنند. ایراد خطبه توسط حضرت زهرا سلام الله عليها بر همه ی مسلمین حجت است که اسلام از مسیر اصلی خود فاصله گرفته و گرفتار تفرقه شده است. اگر مسلمانان صدر اسلام در قرآن تدبیر لازم را می کردند و تعصبات خود را کنار می گذاشتند، متوجه می شدند که ادامه اسلام منوط به حاکمیت کسی جز امام معصوم نخواهد بود. در این زمان که عصر غیبت امام معصوم عليها سلام است باید به سخنان حضرت زهرا سلام الله عليها برای تعیین ریشه انحراف جامعه، توجه نمود. و به دنبال رهبری باشیم که نسبت خود را با علی علیه السلام قطع نکرده است. زیرا اسلام فقط و فقط با خصوصیات الهی که ائمه تجلی آن هستند، پابرجاست. نوشته های ما و تمام مقالات و کتاب ها، عظمت و کوشش های بی دریغ و خستگی ناپذیر حضرت زهرا سلام الله عليها را می رساند. که همه ی این مجاهدت ها در عمر کوتاه ایشان به تعالی رسیده است. هیچ کس نمی تواند قدر و منزلت این بانو را آن طور که خدا می پسندد برساند. (و ما ادراک ما لیل القدر) ضعف محققین در این مقاله هم نشانه کم لطفی و هم نشانه کمال و بزرگی ایشان است. موضوعات پیشنهادی ما

اشک ها، فریادها، مزمت مردم جاهل، سکوتی بلندتر از فریاد، تربیت بی نظیر شخصیت های سیاسی هم چون زینب کبری سلام الله عليها (وارث خطبه ها و مقاومت در مقابل ظلم، صبر امتحان شده مادرشان)، امام حسن

شرح خطبه ها برگرفته از: طاهرزاده اصغر، بصیرت حضرت فاطمه سلام الله عليها، لب المیزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۶. ^{۶۸}

سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس، ص ۱۵۳. ^{۶۹}

علیه السلام) وارث سکوتی پر از درد و مقاومت در مقابل ظلم)، امام حسین علیه السلام(وارث مقاومت در مقابل ظلم و سرانجام شهادت در راه ولایت) و...

فهرست

موضوع	صفحه
چکیده.....	۳
مقدمه.....	۴
فصل یک فعالیت حضرت قبل از شهادت پیامبر.....	۵
بخش یک حضور پشت صحنه غزه ها.....	۵
بخش دو فاطمه سلام الله علیها در غدیرخم.....	۷
بخش سه حلقه وصل رسالت و ولایت در مباحله.....	۷
فصل دو فعالیت های حضرت بعد از شهادت پیامبر.....	۱۱
بخش چهارمنزل حضرت پایگاه مبارزه.....	۱۱
بخش پنج پایان تحصن.....	۱۳
بخش شش شاخصه های هجوم اصلی.....	۱۵
بخش هفت بیعت اجباری.....	۱۵
بخش هشت نکات سیاسی خطبه.....	۲۰
بخش نه شهادت حضرت در راه ولایت.....	۲۴
نتیجه.....	۲۴
موضوعات پیشنهادی ما.....	۲۵